

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۲۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۱۱۰

تعهد دولت ها در راستای مقابله با جنایت غیرقانونی در نظام بین المللی

محمدامین ظفری

چکیده

در نظام حقوق بین الملل معاصر، مقابله با جنایت های غیرقانونی و بین المللی، از جمله نسل کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و سایر جرایم شدید فراملی، از تعهدات اساسی دولت ها به شمار می رود. این تعهدات ریشه در منشور ملل متحد، حقوق بین الملل عرفی، معاهدات بین المللی کیفری و اصول آمره حقوق بین الملل دارد و دولت ها را ملزم می سازد تا با اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی مؤثر، از وقوع این جنایات پیشگیری کرده و از هرگونه حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از مرتکبان آن ها خودداری نمایند. افزون بر این، دولت ها مکلف اند مرتکبان جنایت های بین المللی را بدون تبعیض مورد تعقیب قرار دهند یا در صورت فقدان صلاحیت، آنان را به دولت های ذی صلاح یا مراجع بین المللی صالح مسترد کنند. در این میان، اصل «تعقیب یا استرداد» نقش بنیادینی در جلوگیری از بی کیفرمانی و تضمین اجرای عدالت کیفری بین المللی ایفا می کند. مقاله حاضر با تمرکز بر مقررات حقوق بین الملل حاکم بر تعهد دولت ها در پیگرد جنایت های بین المللی، به بررسی ضرورت مبارزه با پدیده بی کیفرمانی و چالش های ناشی از تقابل آن با نهاد مصونیت کیفری در عرصه بین المللی می پردازد. در نهایت، نشان داده می شود که اجرای مؤثر این تعهدات و تفسیر محدودکننده از مصونیت کیفری، نقشی تعیین کننده در حفظ صلح و امنیت بین المللی، حمایت از حقوق بشر و تقویت حاکمیت قانون در سطح جهانی دارد.

واژگان کلیدی: جنایت بین المللی، تعهد دولت ها، حقوق بین الملل کیفری؛ صلاحیت جهانی، صلح

و امنیت بین المللی، حقوق بین الملل عرفی



مقدمه

تحولات بنیادین نظام بین الملل در قرن بیستم و بیست و یکم، به ویژه پس از دو جنگ جهانی و گسترش پدیده جهانی شدن، موجب تغییر ماهوی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها و بازتعریف مسئولیت‌های آنان در قبال جامعه بین المللی شده است. در این چارچوب، مقابله با جنایت‌های غیرقانونی و شدید بین المللی، نظیر نسل کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، تجاوز و سایر جرایم سازمان یافته فراملی، به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه های حقوق بین الملل معاصر مطرح گردیده است. این جنایت‌ها نه تنها امنیت و نظم عمومی داخلی دولت‌ها را تهدید می کنند، بلکه صلح و امنیت بین المللی و ارزش های بنیادین بشریت را نیز به مخاطره می اندازند.

در پاسخ به این تهدیدات، حقوق بین الملل با فاصله گرفتن از رویکرد صرفاً دولت محور کلاسیک، به سمت شناسایی تعهدات عام الشمول و فراسرزمینی دولت‌ها حرکت کرده است. امروزه دیگر مقابله با جنایت‌های بین المللی صرفاً یک اختیار سیاسی دولت‌ها تلقی نمی شود، بلکه به عنوان یک تعهد حقوقی الزام آور ناشی از معاهدات بین المللی، حقوق بین الملل عرفی و اصول آمره حقوق بین الملل Jus Cogens شناخته می شود. در این چارچوب، دولت‌ها نه تنها از ارتکاب مستقیم چنین جنایت‌هایی منع شده اند، بلکه مکلف اند با اتخاذ تدابیر مؤثر، از وقوع آن‌ها پیشگیری کرده، مرتکبان را مورد تعقیب قرار دهند و از ایجاد یا تداوم وضعیت مصونیت کیفری جلوگیری نمایند.

اهمیت این تعهدات به ویژه در پرتو رویه قضایی بین المللی، از جمله آرای دیوان بین المللی دادگستری و تأسیس نهادهایی همچون دیوان کیفری بین المللی، بیش از پیش برجسته شده است. این تحولات نشان دهنده آن است که جامعه بین المللی، جنایت‌های شدید بین المللی را نه صرفاً نقض تعهدات دوجانبه، بلکه تعرض به منافع بنیادین کل جامعه جهانی تلقی می کند؛ امری که به شکل گیری تعهدات ارگا امنس و مسئولیت مشترک دولت‌ها انجامیده است.

با وجود این، نحوه تحقق عملی تعهد دولت‌ها در مقابله با جنایت‌های غیرقانونی، به ویژه در تعارض با ملاحظات حاکمیت ملی، مصلحت سنجی های سیاسی و ضعف سازوکارهای اجرایی بین المللی، همچنان با چالش های جدی مواجه است. پرسش اساسی آن است که تعهد دولت‌ها در این زمینه از چه مبانی



۱۴۳۷ هـ / ۲۰۱۵ م / ۱۸ خرداد ماه



بند اول: جنایات بین‌المللی

جرایم بین‌المللی دسته‌ای از جرایم هستند که علاوه بر اینکه که در حقوق داخلی جرم تلقی شده و برهم زنده امنیت داخلی یک کشور می‌باشند، به واسطه برخورداری از عناصر خارجی جنبه فرامرزی یافته و نظم و امنیت سایر کشورها را نیز مختل می‌کنند. همچون جرایم سازمان‌یافته و حمل مواد مخدر بین کشورها. اما جنایات بین‌المللی علاوه بر اینکه ممکن است برهم زنده امنیت داخلی و صلح و امنیت بین‌المللی باشند، ناقض قواعد کیفری بین‌المللی نیز می‌باشند و وجدان بشریت را جریحه‌دار می‌سازند.

« آنتونیو کسسه رویکردی بسیار محدود را در خصوص جنایات‌های بین‌المللی در پیش می‌گیرد، وی جنایات بین‌المللی را نقض قواعد عرفی می‌داند. قواعدی که به منظور حمایت از ارزش‌هایی به وجود آمده‌اند که برای جامعه جهانی حائز اهمیت بوده، در مجازات مرتکبین آنها منفعت همگانی وجود دارد.»^۱ هرچند برخی حقوقدانان نیز جنایات بین‌المللی را جرایمی می‌دانند که در معاهدات بین‌المللی برای آنها مسئولیت کیفری فردی در نظر گرفته شده باشد. اما به نظر می‌رسد تعریف مشابه از اعمال جنایتکارانه در اسناد مختلف و معاهدات بین‌المللی و همچنین قرار گرفتن این جرایم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری باعث پذیرش وسیع آنها به عنوان جرایم شدید بین‌المللی شده است. جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت نسل‌زدایی (ژنوسید)^۲ و همچنین جنایت تجاوز بر طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات شدید بین‌المللی محسوب می‌شوند.

^۱ میرمحمدی، معصومه سادات، تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آنها، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۱، ۱۳۸۹، صفحه ۱۴۴

^۲ نویسندگان حقوقی در معادل‌سازی لغت ژنوسید (Genocide) از لغاتی همچون نسل‌کشی، کشتار جمعی، قتل عام، کشتار عام، نژادکشی، کشتار دسته‌جمعی و غیره استفاده نموده‌اند. اما به نظر می‌رسد نسل‌زدایی بهترین لغت معادل باشد. هرچند در زبان فرانسه و انگلیسی از همان واژه (یونانی-لاتینی) ژنوسید استفاده می‌شود.



بند دوم: مبانی صلاحیت دولت در رسیدگی به جنایات بین‌المللی

(۱) **اصل صلاحیت سرزمینی:**^۱ باید گفت که « این اصل مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است.»^۲ بر اساس این اصل، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را داراست که این جرم در قلمرو سرزمینی آن دولت واقع شده باشد. این اصل به نوبه خود به دو نوع تقسیم شده است. اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی^۳ که بر اساس آن دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که تمام یا قسمتی از جرم در قلمرو آن دولت رخ داده باشد. و همچنین اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی^۴ که بر طبق آن دولت صالح دولتی است که نتیجه یا آثار سوء آن جرم در قلمرو آن دولت اتفاق افتاده باشد. علاوه بر این نوع دیگری از صلاحیت سرزمینی تحت عنوان اصل صلاحیت سرزمینی شناور^۵ بیان شده است که بر اساس این اصل کشور صاحب پرچم صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشتی یا هواپیمای تحت پرچم آن کشور را دارد.

(۲) **اصل صلاحیت شخصی یا اصل صلاحیت مبتنی بر ملیت:**^۶ بر اساس این اصل، دولتی که مرتکب جرم یا قربانی جرم تابعیت آن کشور را دارد از صلاحیت رسیدگی به جرم برخوردار است. بر اساس این اصل دولت صلاحیت کیفری خویش را به ورای مرزهای طبیعی خود گسترش می‌دهد. چنانچه رسیدگی بر مبنای تابعیت مرتکب جرم باشد اصل تابعیت فعال و در صورتی که مبنای رسیدگی تابعیت قربانی جرم باشد اصل تابعیت منفعل نامیده می‌شود.

(۳) **اصل صلاحیت واقعی یا اصل صلاحیت حمایتی یا حفاظتی:**^۷ بر اساس این اصل هر دولتی که از جرم رخ داده در خارج از قلمرواش از هر حیث متضرر شود می‌تواند مجرم را در دادگاه‌های داخلی

^۱. Territorial Jurisdiction Principle

^۲. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶، صفحه ۲۳

^۳. Subjective Territorial Jurisdiction Principle

^۴. Objective Territorial Jurisdiction Principle

^۵. Floating Territorial Jurisdiction Principle

^۶. Nationality Jurisdiction Principle

^۷. Protective Jurisdiction Principle



خود تحت تعقیب قرار دهد. فارغ از اینکه ضرر فوق مادی باشد یا معنوی حتی وقتی که به حاکمیت و حیثیت دولت خدشه وارد شود. فارغ از این مسئله که مرتکب جرم تبعه همان کشور باشد یا خیر.

۴) اصل صلاحیت جهانی: « اخیراً رویه‌ای در حقوق بین‌الملل در حال گسترش است که به هر دولتی حق می‌دهد تا علیه مرتکبین جنایات بین‌المللی اعمال صلاحیت نماید حتی بدون آنکه هیچ ارتباطی بین جرم رخ داده و کشور تعقیب کننده وجود داشته باشد. این قاعده حقوق بین‌الملل عرفی اعلام می‌کند که یک دولت حق محاکمه چنین افرادی را دارا می‌باشد.^۱ بر اساس اصل صلاحیت جهانی دولت‌ها حق دارند برخی از مجرمین را که در قلمرو آن‌ها حضور دارند مورد تعقیب قرار دهند فارغ از اینکه جرم در کجا اتفاق افتاده باشد یا مجرم و قربانی چه تابعیتی داشته باشند. بر خلاف سایر اصول حاکم بر صلاحیت در اصل صلاحیت جهانی اعمال صلاحیت قضایی متضمن ذینفع بودن کشور رسیدگی کننده نیست. » اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی از جرایم آن چنان در نظر همه افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکبین آن‌ها را می‌توان دشمن همه ملل فرض کرد و بنابراین هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت.^۲

بند سوم: مبانی اعطای صلاحیت جهانی^۳

دولت‌ها بر اساس معاهدات یا عرف بین‌المللی خود را ملزم به پیگرد مرتکبین جنایات بین‌المللی می‌دانند. در جهت برخورد قاطع با جنایات بین‌المللی علاوه بر اصول سنتی صلاحیت کشورها، صلاحیت جهانی سعی در گسترش حوزه صلاحیت دولت‌ها در برخورد با مرتکبین جنایات بین‌المللی دارد. وقتی دادگاه‌های

^۱. Franceschelli, Ferdinando, "Immunity of Head of State for International Crimes: Some Remarks on the AlBashir Case Pending Before the Icc", The G. d'Annunzio University Working papers, P. ۵

^۲. میر محمد صادقی، حسین، پیشین، صفحه ۳۰

^۳. صلاحیت جهانی را نباید با صلاحیت بین‌المللی یکسان دانست. صلاحیت بین‌المللی مربوط به مراجع قضایی بین‌المللی از جمله دیوان‌های کیفری بین‌المللی تشکیل شده تا کنون می‌باشد در حالی که صلاحیت جهانی مربوط به محاکم ملی است.



ملی صلاحیت جهانی را به صورت صحیح و مطابق با استانداردهای شناخته شده جهانی اعمال می‌نماید، عمل آنها تنها جهت حمایت از منافع شخصی خویش نیست بلکه منافع و ارزش‌های اساسی مشترک جامعه جهانی مدنظر می‌باشد. بنابراین کشورها در اعمال صلاحیت جهانی از سوی جامعه جهانی و به نمایندگی آن عمل می‌کنند.

(۱) منطق منافع مشترک:^۱ بر اساس این منطق رفتار کسانی که در سرزمین یک دولت مرتکب جنایات شدید بین‌المللی می‌شوند دارای اثر در سایر کشورهاست. «چنین عملی یک تهدید بلقوه را متوجه همه دولت‌ها کرده و بنابراین همه این دولت‌ها در پیگرد متخلف دارای منفعت هستند.»^۲ در قضیه آیشن^۳ دیوان عالی اسرائیل بر چنین منطقی تکیه کرد و اعلام نمود: «همه دول متمدن منافع بسیار روشنی در مجازات جرایم جنگی دارند. مجرمی که مجازات نشده، خودش یک تهدید برای جامعه است. و یک جرم علیه حقوق جنگ به عنوان تخطی از حقوق بین‌الملل موضوع منفعت و نگرانی همگانی می‌باشد.»^۴

(۲) منطق نمایندگی:^۵ بر این اساس زمانی که جرایم ورای رعایت حقوق داخلی، تجاوز به هنجارهای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، کشور پیگرد کننده نماینده جامعه جهانی محسوب می‌شود. در دعوای دمجانجاک^۶ دادگاه بر چنین منطقی تأکید نمود: این فرض اساسی است که جنایات بین‌المللی تجاوزاتی علیه حقوق ملل یا علیه بشریت هستند و کشور پیگرد کننده برای همه کشورها عمل می‌کند.^۷

(۳) منطق قواعد آمره:^۸ بر اساس این منطق انجام جنایات بین‌المللی در تضاد با قواعد آمره^۱ حقوق بین‌الملل بوده و هر کشوری می‌تواند اعمالی را که با قواعد آمره حقوق بین‌الملل در تضاد است مورد

^۱ . Common Interest Rationale

^۲ . Marks, Jonathan H., Op.cit, P. ۲۸

^۳ . Eichmann

^۴ . Marks, Jonathan H., Op.cit, P. ۲۹

^۵ . Agency Rationale

^۶ . Demjanjuk v. Petrovsky

^۷ . Marks, Jonathan H., Op.cit, P. ۳۱

^۸ . Jus Cogens Rationale



رسیدگی و پیگرد قرار دهد. در قضیه پینوشه لرد براون و لیکینسون^۲ تأکید کرد: «ماهیت قاعده آمره بودن جرم بین‌المللی شکنجه، کشورها را در اعمال صلاحیت جهانی نسبت به شکنجه در هر کجا که اتفاق افتاده باشد محق می‌کند. حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که جرایم قواعد آمره توسط هر کشوری قابل مجازات است زیرا مرتکبین آن دشمن مشترک همه بشریت هستند و همه کشورها منافع یکسانی در دستگیری و پیگرد آن‌ها دارند.»^۳

۴) منطق صدمه و آسیب:^۴ بر مبنای این نظریه آسیب و صدمه ناشی از جرایم بین‌المللی چنان است که توقیف و محاکمه مرتکبین آن را توسط هر کشوری ایجاب می‌کند. جنایاتی مانند نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت علاوه بر اینکه باعث صدمات جسمی و فیزیکی جبران ناپذیر می‌شوند باعث نابودی ساختار اجتماعی و بروز آسیب‌های روانی نیز می‌گردند. «ما بیشتر نگران مرتکبین جنایت‌های نسل‌زدایی و جرائم علیه بشریت هستیم آن هم به دلیل رنج و درد و زیان باورنکردنی ناشی از این جرایم.»^۵

استدلالات فوق برخوردار از صلاحیت جهانی در پیگرد مرتکبین جنایات بین‌المللی را توجیه می‌نماید. هر چند در مقابل، مخالفان دلایلی از جمله مصونیت حاکمیت را در رد اصل صلاحیت جهانی ارائه می‌دهند.^۶

^۱. مطابق ماده ۵۳ معاهده وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل، آن را در حد قاعده‌ای که هیچ گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست و نمی‌تواند جز با یک قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیات، تغییر یابد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار داده است.

^۲. Lord Browne Wilkinson

^۳. Bianchi, Andrea, "Immunity versus human rights: the Pinochet case", European Journal of International Law, Vol. ۱۰ (۲), (۱۹۹۹), P. ۲۴۵

^۴. Harm Rationale

^۵. Marks, Jonathan H., Op.cit, P. ۳۴

^۶. To Read More about These Ideas See: Marks, Jonathan H., Op.cit, P. ۳۶





قرارداد که در ماده بعد ذکر شده است به عمل آورند.^۱ همچنین در ادامه اصل صلاحیت جهانی را نسبت به متخلفین عمده قواعد این معاهده مورد توجه قرار داده است.^۲ از آنجائیکه اکثر مقررات این معاهده‌ها ماهیت خود اجرایی نداشت بنابراین با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، وضع مقررات برای جرم‌انگاری این قوانین در حقوق داخلی لازم است.

جرم‌انگاری نسل‌زدایی در قوانین داخلی به عنوان شرط لازم پیگیری این جرم توسط مراجع داخلی کشورها عمدتاً پس از تصویب معاهده نسل‌زدایی صورت پذیرفت. در ماده ۶ این معاهده آمده است: اشخاص متهم به ارتکاب نسل‌زدایی یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده ۳ باید توسط دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب یافته و یا به وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشند، جلب به محاکمه شوند. هرچند معاهده نسل‌زدایی اشاره‌ای به لزوم اجرای صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبین آن توسط کشورهای عضو نمی‌کند اما از آنجایی که منع نسل‌زدایی جزء قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شود اعمال صلاحیت جهانی کشوری که متهم در خاک آن یافته شود الزامی است مگر آنکه به کشوری دیگر استرداد گردد.

در مورد جنایت علیه بشریت از آنجائیکه معاهده‌ای بین‌المللی در این مورد وجود نداشت بنابراین کشورها نه تنها الزامی به جرم‌انگاری و پیگرد مرتکبین آن نمی‌دیدند بلکه «صرفاً نظاره‌گر اسناد دربردارنده این جنایات از جمله منشور دادگاه نورنبرگ و قطعنامه مجمع عمومی ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ بوده‌اند.»^۳ با این وجود در مورد مصادیق جنایت علیه بشریت نظیر شکنجه و آپارتاید، معاهداتی وجود دارد که مستقلاً و به‌طور جداگانه آن‌ها را جرم‌انگاری کرده‌اند که دولت‌های عضو این معاهدات را ملزم به جرم‌انگاری این جرایم در قوانین داخلی خویش و پیگرد مرتکبین این جنایات می‌نماید. از جمله، معاهده منع شکنجه در بند ۲ ماده ۵ کلیه دول متعاقد را نسبت به استرداد یا محاکمه متهم به شکنجه‌ای که در خاک آن کشور

^۱. Cassese Antonio, "On The Current Trends Towards Criminal Prosecution And Punishment Of Breaches Of International Humanitarin Law", European Journal Of International Law, Vol. ۹, (۱۹۹۸), P. ۵

^۲. مفاد ماده ۴۹ معاهده اول ژنو در سه معاهده دیگر نیز تکرار شده است.

^۳. میرمحمدی، معصومه سادات، پیشین، صفحه ۱۵۲

همینطور هر چند دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق و رواندا تعهدی برای کشورها جهت پیگرد مرتکبین جنایات بین‌المللی به وجود نیاورده‌اند و نیز به صراحت اصل صلاحیت کیفری جهانی را مورد اشاره قرار نداده‌اند اما برای خود صلاحیت همزمان^۱ قائل شده‌اند. به این معنی که محاکم داخلی نیز صلاحیت رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت این دادگاه‌ها را دارا می‌باشند با این تفاوت که دادگاه‌های یوگوسلاوی سابق و رواندا برای خویش حق تقدم قائل شده‌اند. یعنی می‌توانند از دادگاه ملی که در حال رسیدگی به جرمی مرتبط با این دادگاه هستند بخواهد تا رسیدگی را متوقف و متهم را به این دادگاه‌ها تحویل دهند. « بر اساس ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، اعمال صلاحیت از سوی محاکم ملی برای جنایات بین‌المللی صورت گرفته در یوگوسلاوی پذیرفته شده است و بسیاری از دولت‌های اروپایی با اعمال این صلاحیت اقدام به تحت تعقیب قرار دادن بعضی از مجرمان صرب و یا حتی محاکمه ایشان نمودند در حالی که هیچ عنصر ارتباطی بین کشور رسیدگی کننده و متهم وجود نداشته است»^۲

۲. حامد، سهلا، صلاحیت جهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، جاب اول، ۱۳۸۴، صفحه ۵۲



دادگاه اختصاصی سیرالئون هرچند در سایه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تشکیل گردید اما تشکیل آن نه به استناد این قطعنامه بلکه به ابتکار و پیشنهاد کشور سیرالئون و همکاری سازمان ملل متحد بود. در واقع معاهده تأسیس این دادگاه بر اساس قانون اساسی سیرالئون، توسط مراجع این کشور تصویب و به قانون ملی آن وارد شد. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در سیرالئون اعلام می‌کند: «همه گروه‌ها و نیروها در سیرالئون که در هر مخاصمه مسلحانه، از جمله مخاصمه مسلحانه‌ای که فاقد ویژگی بین‌المللی است، جرایمی را همچون گروگان‌گیری، قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیر انسانی نسبت به اشخاصی که در درگیری‌ها شرکت فعال نداشته‌اند، مرتکب شده‌اند، چون این جرایم به عنوان تخلفات بین‌المللی و نقض حقوق بشردوستانه تلقی می‌گردد، همه دولت‌ها تعهد دارند که متهمین ارتکاب به این جرایم یا آمرین را تحت تعقیب قرار دهند و این اشخاص را قطع نظر از تابعیت آنان در محاکم داخلی خود مورد محاکمه قرار دهند.»^۱ هرچند اساسنامه دادگاه در این زمینه تصریحی ندارد و تنها به صلاحیت موازی خویش با محاکم ملی سیرالئون اشاره نموده است.

با تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، کشورهای عضو این اساسنامه متعهد شدند تا نسبت به جنایات بین‌المللی اعمال صلاحیت نمایند. در مقدمه این اساسنامه یادآوری شده است که وظیفه هر دولتی است که صلاحیت کیفری خود را نسبت به افراد دارای مسئولیت جنایات بین‌المللی اعمال نماید. همچنین این اساسنامه در بند ۱۵ مقدمه خود با اعلام این مطلب که دیوان بین‌المللی کیفری که به موجب این اساسنامه تأسیس می‌شود مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود، بار دیگر اعمال صلاحیت بدوی دولت‌ها بر جنایات بین‌المللی را یادآور می‌شود.^۲

بنابراین منابع حقوق بین‌الملل دولت‌ها را متعهد می‌کند تا نسبت به پیگرد و مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی تمام تلاش خویش را مبذول دارند. هرچند نمی‌توان گفت که چنین تعهدی شامل همه کشورهای جهان است. اما برخی معاهدات به دلیل آنکه متضمن قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند (از

^۱. Commission On Human Rights Adopts Resolution On Situation In Sierra Leone (۶ April ۱۹۹۹)

^۲. the International Criminal Court Established Under this Statute Shall be Complementary to National Criminal Jurisdictions.



جمله معاهده منع نسل‌زدایی) همه کشورها را متعهد به اعمال صلاحیت کیفری نسبت به مرتکبین یک جنایت بین‌المللی می‌نماید.

بخش دوم: ضرورت مبارزه با بی‌کیفری و تقابل آن با مقوله مصونیت

« آمار جنایات و نبود محاکمات نشانگر این است که مشکلی در دنیا وجود دارد، مشکلی که باعث عدم اجرای عدالت کیفری بر جنایات شدید است. این مشکل را "بی‌کیفری" می‌نامند.^۲ در واقع در تقابل حقوق و سیاست، بی‌کیفری شکل می‌گیرد و مانع مجازات مرتکبین و مسببین جنایات بین‌المللی می‌گردد. بنابراین «بی‌کیفری عمدتاً نتیجه تأثیر عوامل غیرحقوقی و ساختاری است. در عصر ما تسلط منطق قدرت بر روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، مصلحت‌اندیشی، چالش صلح و امنیت و صلح و عدالت از عوامل بی‌کیفری است.»^۳

بند اول: مبارزه جامعه بین‌المللی با بی‌کیفری

پس از جنگ جهانی دوم افکار عمومی جهان که از جنایات رخ داده در طی این جنگ آزرده شده بود بیش از پیش خواستار مبارزه با جنایات شدید بین‌المللی و محاکمه مرتکبین آن شد. در مبارزه با جنایات بین‌المللی اولین گام، جرم‌انگاری این جنایات بود. در نتیجه معاهدات مختلف در زمینه جنایات بین‌المللی میان کشورها منعقد گردید. این معاهدات علاوه بر جرم‌انگاری این اعمال کشورهای عضو را متعهد به پیگرد مرتکبین آن نمود.

قدم دیگر در جهت مبارزه با بی‌کیفری اعطای صلاحیت جهانی در زمینه جنایات بین‌المللی بود. عدم محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی در خاک یک کشور به دلیل عدم جرم‌انگاری این جنایات یا بی

^۱. Impunity

^۲. بهاروند، محسن، پایان بی‌کیفری ناقضان حقوق بشر: یک چالش جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، صفحه ۳

^۳. امیرارجمند، اردشیر، سخنرانی همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری، ۱۳۸۵/۳/۲۵، باشگاه دانشگاه



میلی آن کشور به اجرای عدالت نسبت به متهمان، حق اعمال صلاحیت را به سایر کشورها به عنوان نماینده جامعه جهانی در مبارزه با جرایمی که نظم و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد می‌دهد. بر اساس این اصل کشورها نمی‌توانند صرفاً به واسطه عدم ارتباط جرم با اتباع یا سرزمینشان از پیگرد مرتکبین آن شانه خالی کنند. بنابراین در صورتی که متهم یکی از این جنایات در سرزمین کشوری حاضر باشد، آن کشور ملزم به پیگرد وی و یا استردادش به کشوری که برای محاکمه وی اعلام آمادگی نموده می‌باشد. بی‌شک چنین قاعده‌ای در جهت مبارزه با بی‌کیفری مرتکبین جنایات بین‌المللی است.

اساسنامه‌های دیوان‌های بین‌المللی به عنوان مهمترین اسناد مبارزه با بی‌کیفری، این اعمال شنیع را جرم‌انگاری و مرتکبین آن را قابل مجازات دانسته‌اند. رویه محاکم مذکور حاکی از آن است که این مراجع تمام تلاش خویش را جهت محاکمه جنایتکاران بین‌المللی به کار برده‌اند هرچند چنین تلاشی به دلیل محدودیت‌های موجود برای این مراجع نیازمند همکاری همه‌جانبه دولتهاست. نسل اول این دیوان‌ها را محاکم نورنبرگ و توکیو تشکیل دادند. محاکمی که اولین قدم در راه مبارزه با بی‌کیفری در سطح بین‌المللی بود. پس از آن دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا، نسل دوم دادگاه‌ها را تشکیل دادند. تشکیل این محاکم توسط شورای امنیت در پاسخ به ناتوانی جامعه جهانی در مبارزه با جنایات بین‌المللی بود. نسل سوم شامل دادگاه‌های مختلط یا دادگاه‌های بین‌المللی شده از جمله دادگاه سیرالئون، کامبوج و تیمور شرقی می‌باشد. این محاکم که با همکاری سازمان ملل متحد تشکیل شده است، نمونه‌ای از همکاری کشورها جهت پیگرد مرتکبین جنایات بین‌المللی می‌باشد. نسل چهارم این دادگاه‌ها را دیوان بین‌المللی کیفری تشکیل می‌دهد. این دیوان در پاسخ به نیاز جامعه جهانی برای وجود یک مرجع دائمی جهت پیگرد و محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی تشکیل گردید. هرچند خلأهای موجود در اساسنامه، از جمله محدودیت جرایم تحت صلاحیت دیوان، دخالت‌های شورای امنیت و محدودیت صلاحیت به کشورهای عضو و اتباع این کشورها از مهمترین موانع دیوان در مبارزه با بی‌کیفری است.



نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله فهمیدیم تحلیل تعهد دولت‌ها در راستای مقابله با جنایت‌های غیرقانونی در نظام بین‌المللی نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل معاصر به تدریج از رویکرد سستی مبتنی بر حاکمیت مطلق دولت‌ها فاصله گرفته و به سوی شناسایی مسئولیت‌های مشترک و عام‌الشمول در قبال جنایت‌های شدید بین‌المللی حرکت کرده است. این جنایت‌ها، به دلیل لطمه مستقیم به صلح و امنیت بین‌المللی و نقض ارزش‌های بنیادین بشری، نه صرفاً به عنوان امور داخلی دولت‌ها، بلکه به عنوان دغدغه‌ای متعلق به کل جامعه بین‌المللی تلقی می‌شوند. از همین رو، مقابله با آن‌ها به صورت یک تعهد حقوقی الزام‌آور در قالب پیشگیری، تعقیب کیفری، استرداد مجرمان و همکاری بین‌المللی بر عهده دولت‌ها قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که مبنای این تعهدات در معاهدات بین‌المللی کیفری، حقوق بین‌الملل عرفی و اصول آمره حقوق بین‌الملل ریشه دارد و اجرای مؤثر آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از بی‌کیفرمانی و تضمین حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی ایفا می‌کند. با این حال، یکی از چالش‌های اساسی در مسیر تحقق کامل این تعهدات، استمرار نهاد مصونیت کیفری، به ویژه در خصوص مقامات عالی‌رتبه دولتی، است که در برخی موارد مانع تعقیب مؤثر مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی شده است. اگرچه مصونیت کیفری در حقوق بین‌الملل کلاسیک با هدف تضمین ثبات روابط بین‌المللی و احترام به اصل برابری حاکمیت‌ها شکل گرفته است، تحولات حقوق بین‌الملل کیفری نشان می‌دهد که این نهاد در برابر جنایت‌های شدید بین‌المللی با محدودیت‌های فزاینده‌ای مواجه شده است. رویه قضایی بین‌المللی و عملکرد نهادهایی همچون دیوان کیفری بین‌المللی بیانگر آن است که مصونیت، دست کم در سطح بین‌المللی، نمی‌تواند به طور مطلق مانع مسئولیت کیفری اشخاص مرتکب این جنایت‌ها تلقی شود. با این وجود، ابهامات موجود در تعامل میان مصونیت مقامات دولتی و صلاحیت مراجع داخلی و بین‌المللی همچنان زمینه‌ساز اختلافات حقوقی و سیاسی است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تعهد دولت‌ها در مقابله با جنایت‌های غیرقانونی در نظام بین‌المللی مستلزم تفسیر محدودکننده از نهاد مصونیت کیفری و تقویت سازوکارهای همکاری قضایی بین‌المللی است. دستیابی به توازن میان احترام به حاکمیت دولت‌ها و ضرورت مقابله با بی‌کیفرمانی، شرط اساسی تحقق عدالت کیفری بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت پایدار در جامعه جهانی به شمار می‌رود.



۱۱. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و همکاران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷

۱۲. کیتی شیایزری، کریانگ ساک، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳

۱۳. مدنی، سیدجلال، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول (جلد اول)، نشر همراه، ۱۳۷۴

۱۴. مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۹

۱۵. میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۳

۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶

۱۷. نقیب‌زاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۸۷

۱۸. نوس‌بام، آرتور، تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل (زیر نظر احمد متین‌دفتری)، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۷

۱۹. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۳

مقاله

۱. بایرز، مایکل، دعوای پینوشه معجونی از حقوق و سیاست، ترجمه محمد جواد میرفخرایی، مجله حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹





۲. صارمی، محمد رضا، مصونیت قضایی اشخاص و دولت‌ها از نظر اسناد بین‌المللی و رویه قضایی و محاکم داخلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۴
۳. علوی، سیدمهرداد، مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، سال ۱۳۸۲
۴. بهاروند، محسن، پایان بی‌کیفری ناقضان حقوق بشر: یک چالش جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴



لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی
هفتمین همایش ملی پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسان در عصر نوین

اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۲

14.3/12.0A

دانشگاه رازی-سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

